

اندونزی قدرتی نو ظهور در آسیا و پویا در نظام بین الملل

اسماعیل بایوردی^۱

دانش آموخته دکترای علوم سیاسی دانشگاه میسور هند

محمد خوش هیکل آزاد

دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته مطالعات منطقه ای، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

(تاریخ دریافت 91/9/23 - تاریخ تصویب 91/12/26)

چکیده

بسیاری از پژوهشگران غربی و شرقی، قرن بیست و یکم را قرن آسیا می دانند و در این ارتباط می توان اندونزی را در جنوب شرقی آسیا به عنوان قدرت میانه یا قدرت نوظهور آسیا مطرح نمود و با حضور این کشور در گروه 20 این سوال به ذهن متبادر می شود که عوامل تغییر جایگاه اندونزی در نظام بین الملل در دومین دهه هزاره سوم میلادی یا در دوره اصلاحات 1998-2012 چه بوده است؟

مؤلفین در این مقاله سعی دارند تا با استفاده از مکتب واقع گرایی که تاکید بر نقش دولت و منافع ملی و ساختار داخلی واحد سیاسی در تعیین رفتار و سیاست خارجی کشورها دارد، کنکاش دقیقی داشته و با بررسی دو متغیر مستقل یعنی اسلام سیاسی میانه رو و توان اقتصادی این کشور که باعث شده تا جایگاه اندونزی در نظام بین المللی در دوره اصلاحات (سال های 1998 لغایت 2012) تغییر یابد را به طور تحلیلی ارائه نمایند.

واژگان کلیدی: اندونزی جدید، آسیا، جنوب شرقی آسیا، اصلاحات، اسلام

سیاسی میانه رو، توان اقتصادی

مقدمه

دانیل درزیک^۱ هماهنگ کننده امور جنوب شرقی آسیا در وزارت خارجه سوئیس معتقد است که آسیا موتور نجات اقتصاد جهان است و کیشور محبوبانی^۲ وزیر خارجه اسبق سنگاپور نیز اظهار داشته که منطقه توسعه اقتصادی از اروپا به سمت آسیا رفته و رفاه مردم صد برابر بیشتر شده و دیگر انحصار سازمان توسعه و همکاری اقتصادی^۳ به تاریخ اقتصاد پیوسته و طبقه متوسط دو میلیارد نفری در آسیا شکل گرفته است؛ لذا این منطقه بازار و بازیگر مهمی در جهان خواهد شد. کیسینجر^۴ سیاستمدار آمریکایی در بازتعریف سیاست ها در قبال آسیا می گوید چهار کشور مهم این قاره یعنی چین، ژاپن، هند و اندونزی را بایستی به عنوان قدرت های عمده این قاره مد نظر داشت. آمیتا و آچاریا، استاد بنیاد آسیا - پاسیفیک کانادا، اندونزی را بزرگترین کشور جنوب شرقی آسیا، چهارمین کشور پر جمعیت جهان و بزرگترین کشور با جمعیت مسلمان می داند که یک دهه پس از سقوط سوهارتو با شمایلی جدید، نقشی مهم نه تنها در منطقه آسیا - پاسیفیک بلکه در سطح جهان ایفاء خواهد نمود. (کمال وندی، 1388)

نظام فعلی بین الملل پس از فروپاشی نظام دو قطبی وارد دوره انتقالی شده است که صحنه بازی، بازیگران و قواعد بازی تغییرات مهمی یافته و یا در حال تغییر است. ویژگی مهم این دوره غیر قابل پیش بینی بودن تحولات، فرآیندها، رفتارها و در نتیجه ابهام در برنامه ریزی برای رهبران است. مهمترین قدرت تاثیر گذار جهان، آمریکا درگیر مشکلات چند بعدی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ارزشی شده است؛ که به نظر می رسد تا سالهای زیادی درگیر آن باشد و محوریت قدرت بر مبنای اقتصاد از اروپا و آمریکا بتدریج در حال انتقال به آسیا می باشد. در این راستا جنوب شرقی آسیا موتور

1. Daniel Derzik

2. Kishore Mahbubani

3. Organization for Economic Cooperation and Development

4. Henry Kissinger

شتاب دهنده قاره بوده و با داشتن آبراههای مهم و استراتژیک مانند مالاکا¹ و سوندا و... که بیش از نیمی از انرژی و مبادلات جهانی از آن می گذرد، محل رقابت های آتی قدرت های جهانی است.

در ساماندهی این مقاله پس از بررسی نظری موضوع به تبیین نظام فعلی جهانی، اهمیت قاره آسیا و جنوب شرقی آسیا و سپس اندونزی از دو منظر اسلام سیاسی میانه رو و توان اقتصادی پرداخته خواهد شد. به عبارتی تمرکز اصلی تحقیق بر اندونزی جدید خواهد بود.

مکتب واقع گرایی

بدنبال تضعیف مکتب آرمان گرایی و از میان رفتن جامعه بین الملل در قرن 20، شاهد حضور مکتب واقع گرایی با تاکید بر نقش دولت ها که نماینده ملت ها در محدوده حاکمیت سرزمینی خود هستند، می باشیم. (Viotti & kauppi, 1987,34) مکتب واقع گرایی بر نقش دولت ها و منافع ملی آنها و آنارسی بودن نظام بین الملل بخصوص در عصر حاضر که سیستم دو قطبی جای خود را به سیستم چند قطبی یا منظومه ای داده است و هر دولتی در تلاش برای کسب حداکثر منافع ملی خود است، تاکید دارد (مشیرزاده، 1388، 79-84) و نکته کلیدی مورد توجه در این پژوهش همگرایی و همبستگی پدیده ها بر اساس ساختار داخلی آنها و نه لزوما ساختار بین المللی (واقع گرایی ساختاری)² قرار داده شده است. البته تاکید بر واقع گرایی به معنای نادیده گرفتن نقش بازیگران بین المللی نیست و بخصوص غربی ها و آمریکایی ها که نگاه خاصی به تحولات در دوره اصلاحات در اندونزی دارند.

تحلیل اندونزی جدید با ویژگی اقتصادی به عنوان اقتصاد نو ظهور و عضویت در

¹. Malacca Strait

². Modern Realism

گروه 20 و ویژگی سیاسی سومین دموکراسی جهان و ویژگی فرهنگی بزرگترین کشور دارای اکثریت مسلمان با اسلام میانه رو، از منظر مکتب واقع گرایی به خوبی کمک کننده است.

اول اینکه، نقش دولت های مختلف اندونزی حتی در دوره اصلاحات با ریاست جمهوری های مختلف آن، کلیدی بوده است و در تقابل واقع گرائی و واقع گرایی ساختاری توجه دولتمردان اندونزی، بهره برداری از وضعیت ساختار بین المللی به عنوان متغیری ثانوی در افزایش قدرت و کسب نقش بین المللی اندونزی و افزایش قدرت ملی (امنیت و رشد و توسعه اقتصادی) بوده است. برای نمونه حضور فعالتر اندونزی در آسه آن¹ و حل و فصل مناقشات ارضی و اعزام نیروهای حافظ صلح به مناطق درگیری در نقاط مختلف جهان و حضور فعال در موضوع فلسطین و برگزاری کنفرانس های مختلف بین المللی، که نوعی دیپلماسی سازمانها می باشد و آموزش فلسطینی ها و اخیرا در تحولات خاورمیانه آموزش دموکراسی برای نخبه های منطقه قابل توجه است.

دوم اینکه سیاست خارجی اندونزی همانند هر کشور دیگر ادامه سیاست داخلی آن و براساس قانون اساسی و ساختارهای داخلی در جهت ارتقاء جایگاه اندونزی بوده است و بر اساس ساختار داخلی و توان سیاسی، اقتصادی و فرهنگی سعی شده است تا در تعامل با واحدهای سیاسی دیگر و نظام بین الملل، رشد و توسعه اقتصادی کشور استمرار یابد و با اسلام میانه رو در برابر جریانات رادیکال و اسلام نظامی و القاعده به ویژه پس از حادثه یازده سپتامبر 2001 چهره ای بدیل ارائه شود و در جریانات سیاسی هم نقش تاثیرگذار در سطوح منطقه ای و جهانی داشته باشد.

سومین دلیل در برتری مکتب واقع گرایی بر مکتب سازه انگاری اجتماعی² در

¹. Association of South East Asian Nation (ASEAN)

². Social Constructivism

تحلیل تحولات این کشور به ویژه اندونزی جدید در دوره اصلاحات، این مهم است که با شکل گیری اصلاحات، اندونزی در تعامل با ساختار یا نظام بین المللی منافع خود را ترسیم و در صدد کسب قدرت و نفوذ است. مکتب واقع گرایی منافع ملی را برحسب نظر دولت و آن هم بر اساس ساختار داخلی و توان سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور تبیین می کند و صرف توجه به فرهنگ و بوجود آمدن هویت های جدید در مکتب سازه انگاری پاسخگو نیست؛ به ویژه که تعامل دولت- ساختار را هم در این رابطه می پذیرد. به عبارتی دیگر اگر چه انگاره ها و باورهای کنشگران داخلی می تواند موجب دگرگونی بنیادین در سیاست بین الملل شود و حتی سیستم را باز تولید کند، ولی نکته مهم این است که این باورها و انگاره ها در خلاء و ذهنی ایجاد نمی شوند؛ بلکه در مثال رفتار گورباچف در مکتب سازه انگاری وی با مشاهده ناکارآمدی سیستم کمونیستی در اقتصاد و سیاست و فرهنگ که متکی بر داده های ساختار داخلی کشور بود، اصلاحات یا دگرگونی یا تعریف مجدد از منافع ملی را شکل داد. در مورد اندونزی نیز وضع مشابه است؛ جامعه بسته و حاکمیت رژیم توتالیتار متکی بر توسعه اقتصادی سوهارتوست که با بروز بحران مالی شرق آسیا در سال 97، نیروهای سیاسی جامعه با فرصت شناسی به موقع خود بر اساس شناخت دقیق از ساختار جامعه موجب سقوط وی شده و هویت جدیدی را به نام اصلاحات تعریف می کنند. پس انگاره جدید بر اساس ساختار داخلی اندونزی شکل گرفت و نکته مهم این بود که دولت سوهارتو به توسعه سیاسی توجه نداشت و جامعه را بسته نگاه داشته بود. پس در ادامه این روند مشاهده می کنیم که بر اساس تغییرات در جامعه از جمله ظهور طبقه متوسط با رفاه و توسعه خوب متکی بر اولویت توسعه اقتصادی و ارتقاء انتظارات و دغدغه های اقشار مختلف مردم و عوامل دیگر داخلی در جهت توسعه سیاسی که مورد غفلت رژیم بود، سوهارتو ساقط شد. در دوره اصلاحات نیروهای مختلف سیاسی سعی کرده اند بر اساس وضعیت داخلی، قدرت خود را از طریق

دولت‌های منتخب مردم تثبیت کنند.

چهارمین دلیل اینکه دولت‌ها در دوره اصلاحات از پیشینه و سابقه تاریخی ساختارهای داخلی جدا نیستند؛ لذا به طور حداکثری در جهت اصلاح فرآیندها در تلاش بوده‌اند. برای نمونه اسلام سیاسی میانه رو اندونزی دارای سابقه طولانی تاریخی از منازعه اسلام‌گرایی و ملی‌گرایی در جامعه است؛ ولی ساختار داخلی اندونزی نشان داده است که اسلام سیاسی میانه رو بر اسلام سیاسی رادیکال و نظامی غلبه یافته، با اقبال عمومی روبرو شده است. و به ویژه در دوره اصلاحات نیز دولت‌ها با توجه به این مهم و همچنین بهره‌برداری از آن در نظام بین‌المللی در جهت منافع ملی کشور استفاده کرده‌اند. در فضای توسعه سیاسی کشور، بر اساس ساختار داخلی که قبلاً در دوره سوهارتو احزاب به سه حزب مشخص دسته‌بندی شده بودند؛ دهها حزب ظهور یافتند که در حال حاضر به حدود 40 حزب نهادینه شده رسیده است؛ که این فرآیند نشانه اهمیت مکتب واقع‌گرایی و واقع‌نگری دولتمردان و اقشار مردم اندونزی است. به ویژه در دوره اصلاحات چهره‌های شاخص اندونزی تغییرات اساسی نیافتند و همچنان در سیستم سیاسی، اقتصادی و حتی فرهنگی به حضور خود ادامه دادند؛ اگرچه بخشی از نیروهای تحت ستم سوهارتو توانستند به قدرت رسیده و در ساختار داخلی کشور به عنوان نماینده مجلس و دولت و عضویت در احزاب و... به ایفای نقش بپردازند.

تصویری اجمالی از نظام بین‌الملل، اهمیت آسیا، جنوب شرقی آسیا و اندونزی

در این تصویر حرکت از نظام بین‌الملل به اندونزی، در واقع حرکت از نظام به واحد سیاسی است؛ ولی این مهم به معنای پذیرش مکتب واقع‌گرایی ساختاری والتز¹ نیست؛ بلکه یک واحد سیاسی در تبیین سیاست خارجی و کسب حداکثری منافع خود ناگزیر از شناخت سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی است.

¹. Waltz

با فروپاشی شوروی، حرکت بلوک بندی های جدید از سیاسی-ایدئولوژیک (ژئوپولیتیک) به سوی توسعه اقتصادی (ژئواکونومی) رفت. و جنگ ها و رقابت های اقتصادی در درون بلوک غرب توسط آمریکا، اتحادیه اروپا و ژاپن به دلیل کاهش اهمیت مسایل سیاسی بروز کرد. در این راستا کاهش قدرت آمریکا و ظهور شرق آسیا به رهبری آسیا و اتحادیه اروپا قابل توجه بود. (نقی زاده، 1376، 20-15)

آمریکا در شرق آسیا قبل از فروپاشی شوروی با سد نفوذ کمونیسم، سعی در حضور در منطقه داشت (بیکر، 1370، 6)؛ ولی پس از فروپاشی و تبدیل متحدین استراتژیک به رقبای اقتصادی (Brenson, 1994, 17)، با ساز و کارهای مختلف مثل اپک¹ و مجمع منطقه ای آسه آن² و اخیرا مشارکت فراپاسیفیک³ با محوریت آن کشور در برابر مشارکت منطقه ای جامع اقتصادی⁴ با محوریت چین، سعی در کنترل اقتصادی و امنیتی و رواج مردم سالاری در منطقه دارد. اما در دوره بوش پسر با اهمیت مبارزه با تروریسم و تجاوز به افغانستان و عراق عملا چین با فرصت شناسی مناسب در منطقه مسلط شد که آمریکا در دوره اوباما با تجدید راهبرد آن کشور، بازگشت جدی به آسیا و مهار چین را مد نظر قرار داد. (Clinton, 2011)

پس از فروپاشی شوروی صحبت از قطب بندی آینده سیاسی جهان است؛ که تعدادی از اندیشمندان نظام تک قطبی با رهبری هژمونیک آمریکا و برخی دیگر نظام چند قطبی را با حضور چین، ژاپن و اتحادیه اروپا موجب نظم بسیار متفاوتی در قرن 21 تصور می کنند. اما مهم این است که ساختارهای جدید داخلی در واحدهای سیاسی موجب بروز تحولاتی نوین شده است که هژمونی آمریکا را به چالش می کشد و حتی برخی در آرزوی امنیت دسته جمعی همانند اتفاق (کنسرت) ملل اروپا در

1. Asia-Pacific Economic Cooperation

2. Asean Regional Forum

3. Trans Pacific Partnership

4. Regional Comprehensive Economic Partnership

1815 هستند. (ابراهیمی فر، 365، 1388-132، 353)

در چنین وضعیتی از نظام بین الملل، اهمیت آسیا و جنوب شرقی آسیا قابل توجه است. اهمیت آسیا و سابقه تمدنی آن و تاثیرات غیرقابل انکارش بر ظهور رنسانس اروپائی در قرون 15 تا 19 آشکار است. استقلال کشورهای شرق آسیا در برابر 500 سال استعمار غربی را شاهدیم و در این راه تا ظهور رنسانس آسیائی شاهد تلاش های فرهنگی و سیاسی این جوامع شرقی هستیم که کنفرانس آسیا-آفریقا در باندونگ اندونزی نمونه ای از این حرکت است. (خوش هیکل آزاد، 1378، 154-152)

آسیای پس از جنگ جهانی دوم، دست به انقلاب صنعتی ظرف 50 سال زد که در اروپا 200 سال طول کشید (هالوران، 3، 1375) و از منظر بانک جهانی، معجزه شرق آسیا نام گرفت. (شاهنده، 8، 1372) و در سال 2010 فقط در جنوب شرقی آسیا (آسه آن) حجم تجارت به 2 تریلیون دلار رسید که در سال 1983 فقط 153 میلیارد دلار بود. (Aseansec, 2009-2010) در سال 2011 از 17/7 تریلیون دلار صادرات دنیا، سهم آمریکا 2/2 و اروپا 6/6 و آسیا 5/5 تریلیون دلار بوده است و در واردات از کل 18 تریلیون دلار، سهم آمریکا 3 و اروپا 6/8 و آسیا 5/5 تریلیون دلار بوده است. (World Trade Report, 2012, 23-28)

اما اندونزی 240 میلیون نفری بزرگترین مجمع الجزایر جهان در منطقه استراتژیک تنگه مالاکا به طول 4800 کیلومتر و عرض 2000 کیلومتر، روزانه شاهد عبور 60 درصد از نفت جهان و 50 درصد از کالاهای دنیا می باشد. اندونزی در انتقال انرژی دنیا از خلیج فارس به آسیای شرقی و از جمله مصرف خود و به عنوان دروازه ورود به آسه آن مهم می باشد. وجود دبیرخانه آسه آن در جاکارتا و همچنین حضور فعال اندونزی در مجامع بین المللی، عملاً بهره برداری دولت از سیاست خارجی را در جهت سیاست داخلی با هدف تثبیت امنیت و ثبات سیاسی و توسعه اقتصادی کشور فراهم نموده است.

اندونزیایی ها با 336 گروه نژادی و 200 زبان محلی با بیش از 380 لهجه به واسطه تعلیمات پانچاسیلا در کنار هم زندگی می کنند. اصول پنج گانه پانچاسیلا عبارتند از اعتقاد به خدای واحد، انسانیت (عادلان و متمدن)، وحدت اندونزی، دموکراسی (بر اساس خرد و اجماع) و عدالت اجتماعی (برای همه). اندونزی دارای حکومت اسلامی نیست و حتی در قانون اساسی آن، اسلام دین رسمی نیست ولی کلیه مذاهب از آزادی برخوردار هستند و از جهت این که در بین کشورهای اسلامی دارای بیشترین جمعیت مسلمان می باشد و اسلام آن با تسامح و میانه روی همراه است، خود را کشور دارای اکثریت مسلمان و نه اسلامی می نامد. (مظفری، 1374، 1-12)

در دوره اصلاحات و پس از استعفای سوهارتو، "بی. جی. حبیبی" معاون وی سومین رئیس جمهور اندونزی شد. با برگزاری انتخابات عمومی در اکتبر 1999، زمینه تشکیل اولین دولت منتخب احزاب سیاسی فراهم گردید و "عبدالرحمن وحید"^۲ چهارمین رئیس جمهور اندونزی شد. وی به دلیل ناتوانی جسمی و بینایی و همچنین سوء استفاده از قدرت و... از سوی پارلمان استیضاح شد و در سال 2001 (مرداد 1380) برکنار گردید. در نتیجه برکناری وحید، خانم مگاواتی سوکارنو پوتری^۳ فرزند سوکارنو و معاون عبدالرحمن وحید، نخستین رئیس جمهور زن اندونزی، پنجمین رئیس جمهور کشور شد. و بالاخره در انتخابات ریاست جمهوری 2004 و 2009 آقای "یودیونو" (رئیس جمهور فعلی) از حزب دمکراتیک به ریاست جمهوری اندونزی انتخاب گردید.

فرهنگ اسلام سیاسی میانه رو

در راستای مکتب واقع گرایی و در بررسی بعمل آمده بر اساس ساختار داخلی

1. Bacharuddin Jusuf Habibie

2. Abdurrahman Wahid

3. Megawati Sukarnoputri

اندونزی در دوره اصلاحات، اسلام سیاسی میانه رو مورد تشویق همه قشرهای جامعه بوده و عملاً این نوع از اسلام در این دوره و به ویژه پس از حادثه یازده سپتامبر 2001 در برابر جریانات اسلام نظامی و خواهان حکومت اسلامی قرار گرفت و دولت از این مهم در جهت ثبات همه جانبه جامعه و بهره برداری در سطح بین المللی از جمله مبارزه با تروریسم استفاده نمود. و البته مورد استقبال جامعه جهانی از جمله آمریکا و کشورهای غربی نیز قرار گرفت و از اندونزی درخواست میانجیگری در مناقشات خاورمیانه شد و مدل اسلام میانه رو اندونزی تحسین شد تا صدای جهانی اسلام باشد.

نکته بسیار مهم در مکانیسم تغییر جایگاه اندونزی و نوع رفتار اقشار مهم جامعه اندونزی این است که برغم رهایی از حکومت بسته 32 ساله سوهارتو و ورود به جامعه باز دوره اصلاحات با ظهور صدها حزب و روزنامه هایشان و مجلس پر نقش در برابر دولت و تحکات بسیار سازمان های بزرگ اسلامی و تمرکز زدایی سیستم اداری دولت به جای سیستم متمرکز سوهارتویی، به ایده حکومت اسلامی و منشور جاکارتا وقعی نهاده نمی شود و بالعکس بر اسلام سیاسی میانه رو تاکید می شود. در این بین برخی احزاب و گروه ها و سازمانهای کوچک اسلامی، به جای حکومت اسلامی نوعی جامعه اسلامی با اجرای شریعت را مطرح می کنند و دیگر صحبتی از تشکیل جمهوری اسلامی مثل نهضت دارالاسلام در دهه 50 در دوره سوکارنو نیست.

اسلام نظامی اندونزی به ویژه پس از تحکات القاعده عربستان و ارتباط با برخی علماء و طلاب سنی برخی پسانترن ها و آرایه آموزش های لازم، موجب بروز برخی انفجارات در نقاط مختلف اندونزی علیه منافع آمریکایی ها و استرالیایی ها شد که عملاً کلیه اقشار کشور اندونزی خود را از آن مبری دانستند.

دولت اندونزی با توجه به ساختار داخلی و منازعه قدیمی اسلام گرایان و ملی گرایان و شائبه تشکیل حکومت اسلامی مثل دهه 50، با تاکید بر اسلام سیاسی میانه رو، زمینه لازم را در سیاست داخلی جهت مقابله با اسلام سیاسی تندرو یافت. و در

سیاست خارجی خود بر اساس همین زمینه داخلی به اسلام سیاسی میانه رو با تاکید اینکه با دموکراسی و مدرنیته هماهنگی دارد، توجه کرده و سعی در کسب نقش در صحنه بین المللی و به تبع آن افزایش قدرت ملی نمود. اما بایستی به این نکته مهم توجه داشت که دولت اندونزی با توجه به حساسیت اقشار مختلف مردم، بیش از اندازه نمی خواهد به وضعیت مسلمانان در سایر کشورها بپردازد، چرا که نتیجه آن توجه بیشتر به اسلام سیاسی در کشور و بالطبع سیاسی شدن جامعه و در صورت عدم کنترل آن با غلبه تفکر طیف هایی از اقشار مردم به صورت حداقلی دولتی با گرایش اسلامی قوی و به صورت حداکثری دولتی با گرایش اجرای شریعت اسلامی و حتی حکومت اسلامی مواجه خواهد شد. دولت حتی علاقمند است اسلام فرهنگی تا سیاسی مورد توجه مردم باشد. به همین دلیل است که دولت ها در این کشور همواره سعی نموده اند تا با دقت به موضوع اسلام پاسخ دهند. و اینکه دولت اندونزی برغم اکثریت مسلمانانش خود را اسلامی نمی نامد، ولی کشوری دارای اکثریت مسلمان می خواند، دارای چنین حکمتی است.

اسلام سیاسی در سیاست خارجی اندونزی

اسلام سیاسی در صحنه عمل در سیاست خارجی اندونزی هم مهم است. برخی اندیشمندان، نقش اسلام را ثانویه دیده و سیاست خارجی کشور را بر اساس پانچاسیلا و سکولاریسم می دانند؛ اگرچه در سیاست داخلی، دولت نقش کلیدی داشته است. (لطفی، 2011) اندونزی نظم نوین سوهارتوئی خود را حکومتی پانچاسیلابی می دید تا حکومت اسلامی، فلذا در سیاست خارجی خود خالی از هر لحن اسلامی بود؛ اگرچه پس از انقلاب اسلامی ایران؛ از سال 90 رنگ و لعاب اسلامی تقویت شد و اندونزی به عضویت سازمان همکاری اسلامی درآمد تا حمایت گروه های مسلمان داخلی را جلب کند.

در واقع در دوره اصلاحات شاهد افزایش حضور و نقش مردم، تعدد کنشگران و غلبه منافع اقتصادی و سیاسی در اولویت های تصمیم گیری در سیاست خارجی هستیم که متأثر از سیاست داخلی اندونزی است. یانی، استاد روابط بین الملل دانشگاه پاجاجاران، معتقد است در دوره حبیبی شاهد اولویت سیاست داخلی بر تحرک خارجی به دلیل شرایط پس از بحران مالی 97 بودیم. عبدالرحمن وحید به جای توجه به سیاست داخلی با سفرهای بسیار و بدون هدف و اولویت ها در سیاست خارجی، اعتبار کشور را در صحنه بین المللی نابود کرد. خانم مگاواتی موجب بازگشت اعتبار و احترام به اندونزی شد و به سیاست داخلی و خارجی، هر دو توجه نمود. دوره یودیونو، انتقال از دولت مرکزی اقتدارگرا بسوی دولت دموکراتیک و مرکزگرای بود که ضمن طرح هویت بین المللی اندونزی با همبستگی و همسازی اسلام، دموکراسی و مدرنیته، بر نقش ملی گرایی اندونزی در سیاست خارجی کشور با ویژگی های باز، مورد اعتماد، میانه رو، با تسامح و بروننگرا تاکید نمود. (Yani, 2009,1-24)

به عبارتی دیگر، حبیبی راه سوهارتو را دنبال کرد و عبدالرحمن وحید با انتخاب علوی شهاب وزیر خارجه مسلمان، این تصور را ایجاد کرد که سیاست اسلامی در پیش خواهد گرفت ولی رییس جمهور با سفرهای زیاد خارجی و بویژه به اسرائیل عملاً گرایشات غربی خود را عیان ساخت. خانم مگاواتی برغم انتخاب حمزه حظ به عنوان معاون خود از حزب اسلامی متحد توسعه، در رفتار سیاست خارجی خود دچار ابهام بود و تحرک اسلامی خاصی نداشت و حتی در مبارزه با تروریسم مشخص نشد که موافق یا مخالف حرکت جنگی آمریکا است.

اما یودیونو برخلاف گذشتگان، در برنامه هسته ای ایران، حماس و میانجیگری در برقراری صلح بین اسرائیل و فلسطین و گروه دی 8 بصورت فعال شرکت نمود. دوی فورتونا، معاون بخش علوم انسانی و اجتماعی موسسه علوم اندونزی و رییس مرکز تحقیقاتی حبیبی، نیز معتقد است در طول تاریخ اندونزی از استقلال تاکنون (2010)

اسلام تاثیر زیادی بر سیاست خارجی کشور نداشته است، مگر در موارد خاص. یودیونو هویت بین المللی اندونزی را که همسازی اسلام، دموکراسی و مدرنیته در کشور است، مطرح کرد و بویژه بعد از 11 سپتامبر چهره ای بدیل از اسلام میانه رو اندونزی را در سطح جهانی عنوان نمود. در سفر وزرای خارجه آمریکا و انگلیس و... از اندونزی جهت میانجیگری در مناقشات خاورمیانه درخواست شد و مدل اسلام میانه رو اندونزی تحسین شد تا صدای جهانی اسلام باشد. (Fortuna Anwar, 2010, 37-54)

فرید زکریا، سردبیر مجله تایم، نیز می گوید اندونزی به دلیل بزرگی، پیچیدگی، جنبش های بنیادگرای اسلامیش و جنوب شرقی آسیا، کاری توان فرسا را انجام داده و نشان داد که در عین اسلامی بودن می توان دموکراتیک بود و حالا عرب ها سؤال می کنند، وقتی اندونزی می تواند، پس ما چرا نتوانیم. لذا نقش اندونزی نقشی قدرتمند و مثبت در این روند می باشد. اندونزی کشور بزرگی است که موج دموکراسی در آن بی تعادلی ها را که جنبش های ضد تعادل بوجود می آورند، به تعادل می کشد. جریانات اسلامی و رادیکال در اندونزی هستند ولی جریانات مدرنیست در بلند مدت قدرتمند تر از قبل موجب تعادل در جامعه می شوند. (Zakaria, 2011, 129-130)

توان اقتصادی اندونزی

اندونزی در سطح تحلیل داخلی و یا ملی دارای ظرفیت لازم برای رفع نیازهای خود و استفاده از این ظرفیت جهت ایفای نقش در سطوح منطقه ای و بین المللی است. وسعت بسیار اندونزی با 1700 جزیره، چهارمین جمعیت دنیا با 240 میلیون نفر و بویژه جوان بودن جمعیت آن 66 درصد بین 15 تا 64 سال که بعنوان نیروی کار مهم اند، دارای منابع معدنی فراوان نفت و گاز، روغن نخل، کائوچو و از صادر کنندگان اصلی در جهان می باشد.

بر اساس ارزیابی گلدمن ساچس، شرکت مشورتی سرمایه گذاری آمریکایی در

نیویورک، تولید ناخالص داخلی اندونزی 707 میلیارد دلار یا بر اساس قدرت برابری خرید 1 تریلیون دلار در سال 2010، در سال 2050 به 7 تریلیون دلار می رسد و رتبه هفتم دنیا را پس از روسیه کسب خواهد کرد و بر اساس ضریب نمو تولید ناخالص داخلی از رتبه 14 در سال 2006 به رتبه 6 در سال 2050 خواهد رسید. تولید ناخالص داخلی سرانه از 1508 دلار در سال 2006 به 22395 دلار در سال 2050 می رسد که رتبه اندونزی 16 و رتبه هند 17 می باشد. (BRICS, 6-9)

استفان شوارتز، نماینده ارشد سابق صندوق بین المللی پول در جاکارتا 2004-2008، طی مقاله ای ضمن تاکید بر لزوم ارتقاء زیر ساخت ها، مبارزه با فساد، مدیریت صالح و تقویت نهادها در اندونزی، در بررسی خود مجموعه کشورهایی را با عنوان "عقاب ها" که شامل چین، هند، برزیل، اندونزی، کره، روسیه، مکزیک، مصر، تایوان و ترکیه هستند، مد نظر قرار می دهد که 51 درصد رشد جهانی (در مقایسه با 14 درصد گروه 7) را با 41 تریلیون دلار تولید ناخالص داخلی بر اساس قدرت برابری خرید در اختیار دارند، که در میان این عقابها، اندونزی در رتبه چهارم 2/3 درصد به رشد جهانی پس از کره، روسیه و مکزیک کمک می کند. (Schwartz & Garcia-Herrero, 2011, 26-31)

اقتصاد اندونزی همگرای با جهانی شدن و اتخاذ سیاست توسعه مبتنی بر صادرات بجای جایگزینی واردات و در مقیاس وسیع تر همگامی با مدل گازهای پرنده¹ و کپی برداری از مدل ژاپن و پشت سر گذراندن بحران های مالی آسیا در 97 و آمریکا 2008-2009 با استمرار رشد اقتصادی 5 تا 6 درصد و در قبل از بحران 7 درصد، برای سالیان متمادی است. دولت اندونزی از اوایل دهه 80 یک مجموعه خط مشی ها و حذف و تسهیل مقررات را با هدف افزایش صادرات غیرنفتی، ساده سازی نظام مالیاتی، کاهش یارانه ها، افزایش هزینه های بهره وری، جذب سرمایه خارجی بیشتر با بودجه پویا و با ثبات، تقویت بخش مالی و ارتقاء تاثیر گذاری و کارایی موسسات

¹. Akamatsu's Flying Geese

مختلف دولتی اقدام کرد. (banxico org, 2003, 1-2)

همکاری و هماهنگی این کشور با صندوق بین المللی پول و بانک جهانی و اشاره بانک جهانی به اندونزی که تا 2025 جزء 6 اقتصاد نو ظهور به همراه برزیل، چین، هند، کره جنوبی و روسیه نیمی از رشد جهانی را ایجاد خواهند کرد، قابل توجه است. (world bank org, 2011, 1)

تعریف گروه 20 از اقتصاد نو ظهور این است که این کشورها به دلیل همگرایی اقتصادی و بازارها از طریق جهانی شدن و تحولات داخلی شان، قدرت مهم اقتصادی شده اند و تاثیرات مهمی فراتر از مرزهای خود داشته اند. واژه اقتصاد بازار های نو ظهور یا قدرت های اقتصادی نو ظهور¹ (EME) در سال 1981 توسط آگ ماسل²، کارشناس شرکت مالی بین الملل بانک جهانی ابداع شد و اشاره وی به کشورهایی است که هم اصلاحات و هم توسعه داشته اند و از اقتصاد بسته بسوی اقتصاد بازار آزاد در حرکت اند و پاسخگوئی در نظام خود ایجاد کرده اند. و در عین حال جذب کننده خوب سرمایه های داخلی و خارجی مستقیم و همچنین دارای رشد روز افزون تولید صنعتی و تولید ناخالص داخلی می باشند و در زمینه فرهنگی نیز متاثر از روندهای دنیا هستند و خود را مثلا در موسیقی و غذای فوری و... تطبیق می دهند. (Heaked, 2011, 1-3)

بخش کشاورزی اندونزی 16/5 درصد تولید ناخالص داخلی، 40 درصد نیروی کار، و بخش تولیدی و صنعتی با 46/4 درصد از تولید ناخالص داخلی در صنایع نساجی و پوشاک، مصالح ساختمانی، کود شیمیایی، تایر، محصولات الکتریکی و الکترونیکی، صنایع غذایی و... و بخش خدمات هم 37/1 درصد را به خود اختصاص داده است.

بر اساس گزارش صندوق بین المللی پول، اندونزی در سال 2010 پانزدهمین

1. Emerging Markets Economy

2. Antoine W. Van Agtmael

اقتصاد جهان بر اساس قدرت برابری خرید بوده است که در نتیجه رشد اندونزی پس از بحران 97 با نرخ 5/2 درصد و با بحران 2008 با رقم 4/5 درصد طی چندین سال بوده است. کاهش بدهی های دولتی از 100 درصد به 26 درصد پس از بحران 97 و افزایش ذخایر ارزی به 112 میلیارد دلار و تنوع بازارهای صادراتی و تقسیم متعادل آن بین آمریکا، اروپا، ژاپن و سایر مناطق آسیا نیز از جمله اقدامات اندونزی بود. (Schwartz & Garcia-Herrero, 26-31)

یوستین لین¹، اقتصاد دان ارشد بانک جهانی، معتقد است با رشد سریع اقتصادهای نوظهور مراکز رشد اقتصادی میان اقتصادهای توسعه یافته و در حال توسعه در نوسان خواهد بود و حقیقتاً دنیای چند قطبی² محقق می شود که چند ملیتی های نوظهور، صفت جهانی را تغییر شکل می دهند. برای نمونه صادرات اندونزی تا سال 2025 دو برابر می شود و واردات آن کشور بیش از یک و نیم برابر افزایش می یابد. استفن کوبرله³، رئیس کشوری بانک جهانی، می گوید: اندونزی یکی از سریعترین رشد ها را در طبقه متوسط در میان همقطاران خود دارد و نرخ آن با توجه به تعداد نفرات ورودی به طبقه با درآمد متوسط و کمتر از 2004 تاکنون بیش از 7 میلیون نفر در سال است. مارتین اسپرینگ نیز در خصوص جذب سرمایه خارجی به اندونزی که در سال 2010 رقم 15 میلیارد دلار بوده است (15 درصد از سرمایه خارجی جذب شده توسط چین) به ظرفیت های بسیاری برای رشد، مثل جمعیت اندونزی که در شهرها از سال 1975 دو برابر شده است و تا سال 2025 مجدداً دو برابر خواهد شد و به 60 درصد جمعیت می رسد، اشاره دارد. نرخ کم تورم و بدهی خارجی کم (29 درصد تولید ناخالص داخلی) و مصرف داخلی بالا هم قابل توجه است. (Spring, 2009, 2-3)

1. Justin Yifu Lin

2. Multipolar

3. Stefan Koeberle

فرید زکریا می گوید: "قرن 21 قرن اقیانوسیه است و لازم است تا آمریکا توجه خود را به این منطقه افزایش دهد و در این راستا اندونزی به دلایل مناسبی بایستی مورد توجه قرار گیرد. اندونزی در دهه اخیر توانسته است تا ترکیبی قدرتمند از دموکراسی، ثبات سیاسی، مدیریت مثبت و سازنده در حل مشکلاتی مثل آچه و عملکرد قابل توجهی در اقتصاد کلان از خود بر جای بگذارد. بدهی های اندونزی از 100 درصد به 30 درصد کاهش یافته است؛ در حالی که بدهی کشورهای غربی در حال افزایش است. البته مبارزه با فساد و الیگارشسی سرمایه داری و رانت های اقتصادی که یک شبه میلیارد در وجود می آورد، در دستور کار دولت اندونزی هست ولی بایستی تلاش ها مضاعف شود" (Zakaria, 2011, 129-130) در این راستا کارن بروکس¹ در مجله فارین افرز طی مقاله ای اشاره دارد که اندونزی در ارزیابی همه موسسات بین المللی مهم چون گلدمن ساچس، نکست ایسی لون، پرایس واترهاوس کوپرز، اکونومیست و سیتی گروپز به عنوان یک اقتصاد برتر آینده رتبه بندی شده است. (Brooks, 2011, 109-118)

اندونزی در سطح منطقه ای بطور آشکارا در جنوب شرقی آسیا و اتحادیه آسه آن بعنوان برادر بزرگتر به دلیل ظرفیت آن کشور در مقایسه با سایر کشورهای منطقه و وجود دبیرخانه آسه آن در جاکارتا شناخته شده است؛ اگرچه بعضا در برخی شاخص ها برخی از کشورهای جنوب شرقی آسیا مثل تایلند و مالزی از جهت حجم صادرات بر اندونزی برتری دارند ولی توسط محققان مالزیایی پیش بینی می شود در سال 2014 آنها در این شاخص هم برتری یابند. تلاش جهت مرکزیت آسه آن و تشکیل جامعه آسه آن در سال 2015 و حتی طرح "تعامل پویا"² با مرکزیت آسه آن و دعوت بر حضور روسیه و آمریکا در منطقه و به نوعی ایجاد امنیت در رقابت ها و تعارضات

¹. Karen Brooks

². Dynamic Equilibrium

آمریکا و چین و حل و فصل مناقشات با رهبری آسه آن و حتی ارجاع مسایل از سازمان ملل به این سازمان منطقه ای مثل برخورد مرزی تایلند و کامبوج در جهت احیاء و عدم از بین رفتن نقش آسه آن و راه حل آسه آنی می باشد.

اندونزی در سطح بین المللی به عنوان عنصر فعال نهضت عدم تعهد و هم چنین عضویت در گروه 20 و اعزام نیروهای حافظ صلح به مناطق درگیری و برگزاری کنفرانس های بین المللی چون محیط زیست و اقیانوس ها و... علاوه بر انگیزه این کشور جهت کسب نقش در صحنه بین المللی در واقع از نگاه ابرقدرت ها بعنوان یکی از قدرت های مهم منطقه جنوب شرقی آسیا و در کنار تنگه مهم مالاکا و در کنار هند می تواند برای مهار چین مطرح باشد.

اساساً معیارهای گروه 20 برای انتخاب کشورهایی نظیر اندونزی به عنوان اقتصادی نوظهور ریشه در بحران های مالی 97 و در ادامه آن بحران 2008-2009 آمریکا و در عین حال ظرفیت بالفعل و بالقوه این کشور دارد. به عبارتی دیگر، با کاهش نقش گروه 7 در حل بحران ها، این گروه به این حقیقت دست یافت که قدرت های نوظهور را هم باید در حل بحرانها دخالت دهند تا بر اساس ظرفیتشان کمک کننده باشند؛ لذا گروه 20 شکل گرفت تا 90 درصد تولید ناخالص ملی جهان و 80 درصد تجارت جهانی و دو سوم جمعیت جهان را بخصوص که از همه مناطق جغرافیایی و به نوعی نقش نمایندگی دارند، مثل اندونزی از آسه آن و آفریقای جنوبی از قاره آفریقا، در دست داشته باشد. (20 group org, 2012)

صندوق بین المللی پول از 28 اقتصاد برتر جهان همه اعضای گروه 20 را شامل این کشورها دانسته است. و البته در مقابل آن شکل گیری بریکس¹ در سال 2006 متشکل از اقتصادهای نوظهور شامل برزیل، روسیه، هند، چین و بعدها آفریقای جنوبی (شریک مهم چین و با هدف ورود به آفریقا) براساس مهندسی پوتین رییس جمهور

¹. BRICS

روسیه شکل گرفته و به نوعی مقابله با گروه 20 ارزیابی شده است. (20 group org, 2012) بر اساس آمارهای صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، تولید ناخالص داخلی (اسمی) در گروه 7 در سال 1980 از 61 درصد به 59 درصد در سال 2006 رسیده است و گروه 20 از 16 درصد به 20 درصد و تجارت گروه 20 در سال 91 از 40 درصد به 62 درصد در سال 2006 رسیده است و در گروه 20 منهای گروه 7 از 11 درصد به 19 درصد رسیده است. ذخایر ارزی گروه 7 از 32 درصد در سال 91 به 22 درصد در سال 2006 رسیده است، ولی در گروه 20 از 14 درصد به 43 درصد رسیده است. به عبارتی دیگر شاخص ها حکایت از این داشت که گروه 7 پس از 20 سال، دیگر توانایی پاسخ به مسایل اقتصاد جهانی را ندارد و بایستی به اقتصادهای نوظهور توجه نماید و از آنها در حل بحران ها و تنظیم و طراحی بازارهای مالی و پولی و نوعی دیپلماسی پیشگیرانه در مدیریت اقتصاد جهانی بکوشد. لذا از جنوب شرقی آسیا در این گروه، اندونزی بعنوان یک اقتصاد نوظهور قوی انتخاب شد. (Powell & Etal, 2007, 1-5)

نتیجه گیری

در بررسی اندونزی جدید به عنوان یک قدرت نوظهور پس از 32 سال حکومت متمرکز و نظامی ژنرال سوهارتو، شاهد تغییر جایگاه این کشور در نظام بین الملل در دوره اصلاحات بودیم که دلایل عمده آن نقش اساسی فرهنگ اسلام سیاسی میانه رو و توان اقتصادی اندونزی بود.

دولتمردان اندونزی بر اساس مکتب واقع گرایی با تبیین منافع ملی بر اساس ساختار داخلی به ویژه در شرایط فعلی نظام بین الملل که سیستم دو قطبی جای خود را به سیستم چند قطبی یا منظومه ای داده است، همواره سعی کرده اند تا با تاکید بر اسلام سیاسی میانه رو که مورد حمایت اکثر قشرهای جامعه بوده (سازمان های بزرگ اسلامی

و علماء و روشنفکران دینی و دانشجویان و نظامیان و احزاب و...) عملاً این نوع از اسلام را در دوره اصلاحات و بویژه پس از یازده سپتامبر در برابر تقویت جریانات اسلام نظامی و خواهان حکومت اسلامی قرار دهند و در جهت ثبات همه جانبه جامعه و بهره برداری در سطح بین المللی از جمله مبارزه با تروریسم استفاده نمایند. لذا اندونزی همراه با استقبال جامعه جهانی از جمله آمریکا و کشورهای غربی از مدل اسلام میانه رو اندونزی به عنوان صدای جهانی اسلام و درخواست میانجیگری در مناقشات خاورمیانه، در سیاست خارجی خود با تاکید بر اینکه اسلام با دموکراسی و مدرنیته هماهنگی دارد و ملی گرایی اندونزی هم باز، مورد اعتماد و با تسامح است، سعی در کسب نقش در صحنه بین المللی و به تبع آن افزایش قدرت ملی نمود.

البته دولت برغم منازعه قدیمی اسلام گرایی و ملی گرایی در کشور و شائبه تشکیل حکومت اسلامی مثل دهه 50، و همچنین عدم توجه به اسلام در رژیم 32 ساله سوهارتو مگر در اواخر عمر رژیم، در دوره اصلاحات با نضج اسلام و گروه های اسلامی با طیف های مختلف آن به ویژه پس از یازده سپتامبر مواجه شد؛ لذا با توجه به حساسیت اقشار مختلف مردم، دولت ضمن توجه به اسلام، بیش از اندازه نمی خواهد به وضعیت مسلمانان در سایر کشورها بپردازد، چرا که نتیجه آن توجه بیشتر به اسلام سیاسی و بالطبع سیاسی شدن جامعه و در صورت عدم کنترل آن با غلبه تفکر طیف هایی از اقشار مردم به صورت حداقلی دولتی با گرایش اسلامی قوی و به صورت حداکثری دولتی با گرایش اجرای شریعت اسلامی و حتی حکومت اسلامی مواجه خواهد شد. دولت حتی علاقمند است اسلام فرهنگی تا سیاسی مورد توجه مردم باشد.

علت دیگر تغییر جایگاه اندونزی در نظام بین الملل، توان اقتصادی این کشور برای رفع نیازهای خود و استفاده از این ظرفیت جهت ایفای نقش در سطوح منطقه ای و بین المللی است که ارزیابی کارشناسان سازمان ها و شرکت های معتبر بین المللی،

صندوق بین المللی پول و بانک جهانی موید آن است. شاهد دیگر بر تغییر جایگاه اندونزی در ابعاد اقتصادی، عضویت این کشور در گروه 20 است که در تعریف این گروه اقتصاد نو ظهور کشوری است که به دلیل همگرایی اقتصادی و بازارها از طریق جهانی شدن و تحولات داخلی شان، قدرت مهم اقتصادی شده و تاثیرات مهمی فراتر از مرزهای خود یافته است. لذا توان اقتصادی اندونزی نیز در 20 سال آینده بر اساس تحلیل های ارایه شده، این واحد سیاسی را در گروه برتر اقتصادی جهان قرار خواهد داد که فرصتی برای بهره برداری سایر واحدهای سیاسی است.

منابع

- ابراهیمی فر، طاهره، (1388)، **سیاست بین الملل**، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی
 - بیکر، جیمز، (1370/12/17)، "چشمداشت های آمریکا در آسیا"، **روزنامه**

اطلاعات

- خوش هیکل آزاد، محمد، (تیر 1378)، "ابعاد اقتصادی- فرهنگی هویت آسیایی
 در منطقه جنوب شرقی آسیا"، **پایان نامه کارشناسی ارشد**، دانشکده روابط بین الملل
 وزارت امور خارجه

- شاهنده، بهزاد (1372)، "قدرت های اقتصادی آینده در شرق آسیا"، **ماهنامه**

اطلاعات سیاسی- اقتصادی، شماره 5 و 6، سال نهم

- کمال وندی، بهروز، (13 بهمن 1388)، "اندونزی قدرت میانه در حال

ظهور"، مباحث اتاق فکر دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت خارجه

- لطفی، (فوریه 2011)، "بررسی نقش اسلام در سیاست خارجی اندونزی از

1945 تاکنون"، ترجمه محمد ربانی، رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در

جاکارتا، **فصلنامه مرکز مطالعات خاورمیانه و اسلام**، دانشگاه اندونزی

- مشیر زاده، حمیرا، (1388)، **تحول در نظریه های روابط بین الملل**، تهران،

انتشارات سمت

- مظفری، محمدرضا (1374)، **اندونزی**، تهران، انتشارات وزارت خارجه (کتاب

سبز)، چاپ دوم

- نقی زاده، محمد، (1376)، **بسوی قرن 21**، تهران، نشر سهامی انتشار

- هالوران، ریچارد (1375/4/14)، "رستاخیز شرق"، **مجله فارین افرز**، ترجمه

هاشمی، **روزنامه سلام**

-Brenson, John, **From Dominoes to Dynamos: The Transformations of Southeast Asia**, N.Y., Council of Foreign Relations Press, 1994

-Brooks, Karen, "Is Indonesia Bound for the BRICs?" **Foreign Affairs**, Nov/Dec. 2011

-Clinton, Hillary, "Back in Asia - The US Steps up its Re-engagement", **Strategic Review**, Vol.1, No.1, August 2011

-Fortuna Anwar, Dewi, "Foreign Policy, Islam and Democracy in Indonesia", **Journal of Indonesian Social Sciences and Humanities**, Vol.3, 2010

-Powell, James & Etal, **The Group of Twenty: A history**, Kleinmond, Western Cape, South Africa, 2007

-Schwartz, Stephan & Garcia-herrero, Alicia, "Indonesia's Economy let to fly like an EAGLE", **Strategic Review**, August 2011

-Viotti, Paul R. & Kauppi, Mark V., **International Relations Theory: Realism, Pluralism & Globalism**, New York, Macmillan, 1987

-Yani, Yan Yan Mohammad, "A Framework for Analysis to Indonesia's Foreign Policy in the Reformation Era", Universitas Pelita Harapan, **Verity**, Vol.1, No.2, July-December 2009

-**World Trade Report**, 2012

-Zakaria, Fareed, "GPS Tracking of the Middle East, China and Indonesia", **Strategic Review**, Vol.1, No.1, August 2011

-**"About BRICS"**, 2011, Available at:

<http://www.answers.com/topic/bric-7#ixzz1b931mMNG>

-**"About G20"**, Available at: <http://www.g20.org/about-what-is-g20.aspx>

-G20 Case Study, 2003, "**The case of Indonesia, Globalization; the Role of Institution Building in the Financial Sector**", (<http://www.banxico.org.mx>)

-**"G20 Major Economies"**, Available at:

<http://en.wikipedia.org/wiki/G-20-major-economies>

-Heaked, Reem, "**Emerging Market Economy**", Available at:

<http://www.investopedia.com/articles/03/073003.asp#1kzz1b9Mo88NH>

-Intra Asean Trade (2009-2010), Available at:

www.Aseansec.org

-“Progress is of CPS Engagement”, the World Bank group, 2011, Available at:

[http://web.worldbank.org/website/external/countries/EastAsia Pacific](http://web.worldbank.org/website/external/countries/EastAsiaPacific)

-Spring, Martin, **“Indonesia: One emerging market to watch closely”**, Money week, Sept.2009, Available at:

<http://www.moneyweek.com/investments/stock-markets/Indonesia-one-emerging-market-to-watch93806>